

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه بیستم

امام حسن عسکری علیه السلام تجسم صولت و سطوت خداوند در بین خلق؛ سنجه شناسی افراط و تفریط

مجری: فردا سالروز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام هست اگر نکته ای هست راجع به ایشان بفرمایید.

جواب: امام بیست و هفت سال و یازده ماه عمر کردند کمتر از بیست و هشت سال ، و نکته ای که هست این که معمولا راجع به ائمه زیاد صحبت شده که مثلا فلان حیوان آمده و در برابر ایشان تواضع کرده و ... و طبعاً برخی از این موارد مستند هم هست و درست هم هست و برخی نه اما ایکاش به جای چنین حرفها راجع به زندگی خود امامان علیهم السلام تحلیلی داشتیم... این که امام صادق علیه السلام در آن لحظه حساس تصمیم می گیرد که آن دانشگاه را تاسیس کند ؛ دانشگاه بشریت را... این خود یک کرامت و معجزه بزرگ است و بهترین راهکار در یک زمان بسیار حساس است .

چون بنی العباس به این نتیجه رسیدند که فضای علمی جدیدی باز کنند د رواقع عصر تضارب آرا بود و عصر شک و تردید بود که امام صادق علیه السلام هم به این نکته اشاره کردند که هیچ زمانی به این اندازه اعتقادات مورد تهاجم قرار نگرفته بود. در عین حال عصر اختناق بود و عصر زندان باز امام علیه السلام بود و شرایط به گونه ای بود که کسی مثل عثمان بن سعید وقتی می خواهد نامه ای را به امام برساند باید که با عنوان روغن فروش به امام و منزل او نزدیک شود و نامه را به امام علیه السلام برساند . امام علیه السلام هم باید هر دوشنبه و پنجشنبه خود را به دارالخلافه برسانند و حضور خود را اعلام کنند. در نهایت باز شرایط به حدی اختناق آمیز است که امام را در آن سن کم به شهادت می رسانند ...

امام یک کار اساسی را هم که انجام می دهند این است که سازمان وکالت را توسعه می دهند. در عراق ، یمن ، مصر و حجاز وکلای را می گذارند ؛ این سازمان وکالت از زمان امام کاظم پایه گذاری می شود اما از زمان امام حسن عسکری توسعه می یابد . امام علیه السلام شاگردان زیادی را پرورش می دهد ؛ شیخ طوسی نام ۱۰۳ شاگرد امام علیه السلام را ذکر می کند که نام آن ها در تاریخ مانده است. همچنین امام کتاب تفسیری دارند که از دیدگاه رجالیون به ما رسیده که این کتاب شریف از امام علیه السلام است . امام رساله هایی دارند در حلال و حرام در اخلاق و ارزشهای اخلاقی ، مجموعه ای به نام حکم و مواعظ دارند. ضمن این که یک نهضت علمی ایجاد می کنند که عمدتاً از طریق همان سازمان وکالت است. و در نهایت زمینه سازی جامعه شیعه برای پذیرش عصر غیبت امام دوازدهم علیه السلام . و روش و منش امام علیه السلام به گونه ای بود که همان زمان هم کلمات امام علیه السلام بین اهل سنت هم مورد بحث و گفتگو قرار می گیرد. از لحاظ نفوذ امام هم جالب این است که وقتی امام بیرون می آمدند نفس ها قطع می شد ... مردم رصد می کردند که امام علیه السلام چه ساعتی بیرون می آیند و چه ساعتی برمی گردند ... و یا بازار سامرا وقتی امام به شهادت میرسند تعطیل می شود و این در حالی است که حکومت و جریان خاصی پشت این ماجرا نیست. من

می توانم بگویم که امام حسن عسکری علیه السلام تجسم صولت ، سطوت و عظمت الهی بود ...حقا که زندگی امام علیه السلام یک کرامت به تمام معنا بود.

وقتی حکومت بر دلها تحقق یافت دیگر هیچ مانعی مانع از نشر علم و یا دیگر احکام الهی نخواهد بود . اداره آن ها هم در اختیار حکومت ها نیست . پخش مواعظ این ها هم در اختیار حکومت ها نیست. به هر حال حکومت ها هم هر چند غدر و قادر هم باشند تا حدی می توانند کنترل کنند و نه صد در صد .

مجری: در جلسات قبل رفتار معکوس مطرح شد که مثلا د ر برابر کسی که به ما ظمی کرده ما در حق او خوبی کنیم و یا دعا کنیم سوال این است که معیار برای این گونه رفتار چیست؟ و به عبارتی ما چه ملاک و سنجه ای داریم که خودمان را با آن معیار و سنجه بسنجیم؟

جواب: گاه یک فرد دچار افراط و تفریط است و گاه جامعه دچار آن است؛ مثل جامعه ایران که در فاصله سالهای بین ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ دچار یک نوع اشرافی گری شده بود که جشن های دو هزار و پانصدساله هم کمک می کرد به این تفکر و در واقع این جامعه بود که دچار افراط شده بود از باب این که هر جریانی ضد خودش را در خودش پرورش می دهد، در سالهای ۵۵ و ۵۶ تفکر فقیر پروری هم رایج شد و لذا می بینیم که در تفکر آن زمان ، شخصیتی مثل ابوذر جای می گیرد. انقلاب که میشود تفکر اشرافی گری به حاشیه رانده می شود دهه شصت ما یک تفکر غالب سوسیالیستی داریم یا همان فقر پروری حتی شنیدنی است که برخی مسئولان جایی می رفتند پتورا کنار می زدند و روی زمین می نشستند این تفکر هست یک مقطعی می گذرد با ز جامعه بر می گردد به تفکر ارزش انگاری مقام و پول ببینید چگونه یک جامعه دچار افراط و تفریط می شود. در این شرایط من فکر می کنم که ما باید سه سنجه را در نظر بگیریم.

اولین سنجه ، عقل است ؛ خدای متعال یک شیخ یک مرشد به نام عقل در درون همه ما قرار داده است.

به نظر من بسیاری از افراط و تفریط ها به دلیل غیبت عقل است و ما فکر می کنیم عقل غیر از دین است اصلا دین ، عقلی است و عقل دینی است ما یک روایت در مذمت عقل نداریم این را نباید دست کم گرفت .

این که از پیامبر عظیم الشان داریم که یک لحظه تفکر از یک سال عبادت بالاتر است سوال این است که تفکر با چه انجام میشود؟

انسانها می توانند از این هادی درون استفاده کنند.

خدای متعال می فرماید: با تو مؤاخذه می کنم و با تو ثواب می دهم ؛ بک آخذ و بک اثیب...

البته یک لحظه تفکر که گفته شده کلمه خیر (بهتر) به کار رفته است .

چه بسا یک لحظه مسیر یک انسان که تغییر کند، مسیر یک جامعه هم تغییر کند . و این است تمام راز و رمز این که گفته شده بالاتر است ؛ در واقع تفکر جهت دهنده؛ البته ما این عقل را باید در کنار روایات و قرآن و نصوص دینی ببریم و با محک آن ها بسنجیم ...چنین عقلی و چنین تفکری؛ تفکری که به قول امام صادق علیه السلام بگوید من از کجا آمده ام؟ به کجا میروم؟ و الان چه باید بکنم؟ تفکری که یک آسیب

شناسی نسبت به گذشته خود داشته باشد ؛ و یک نگاه به موقعیت فعلی می کند که کجاست ؟ و در نهایت این که چه آینده ای را در پیش رو دارد.چنین تفکری اگر در روایات هم نیامده باشد که از سالها عبادت بالاتر است به عنوان یک واقعیت ، از این تعداد سال عبادت هم بالاتر است.چرا که مسیر عوض میشود و چه بسا با تغییر مسیر یک انسان یک جامعه هم مسیرش را تغییر دهد مورد دوم؛ غیر عقل، نصوص دینی است ؛ خداوند در قرآن می فرماید: لاتجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط؛ نه افراط و نه تفریط ؛ نه این که انفاق نکنی نه این که حتی لباس خود را هم بدهی که موقع نماز نداشته باشی که بیوشی.ما در عزاداری ها گاه افراط می بینیم و گاه تفریط؛ ما در نصوص دینی این نداریم که این همه و به این شکل عزاداری شود که همه چیز به این حالت باشد اما این نکته هم که بخواهیم بدل سازی کنیم که مثلا بگوییم ما که می خواهیم عزاداری کنیم هزینه آن را خرج فلان برنامه کنیم و ...این هم صحیح نیست ؛ و یا این که بخواهیم کل برنامه عزاداری ها را زیر سوال ببریم.پس راه دوم مراجعه به نصوص دینی است که مثلا در فلان برنامه سیره و روش ائمه علیهم السلام به چه شکلی بوده است....

و راه سوم مراجعه به عالمان و ویژه دانان و متخصصان است ...انسان اگر مراجعه کند می تواند بفهمد و استفاده کند و این را هم بدانید که هیچ انسانی هیچ زمانی از مراجعه به عالمان بی نیاز نمی باشد . و مواظب باشد به طلای ناب مراجعه کند به اصل مراجعه کند ما امروز برای عرفان طلاهای تقلبی زیاد داریم باید به اصل مراجعه شود